

نقاشی رنگ روغن در تالار شور ای امنیت سازمان ملل، اثر هنرمند نروژی، پر کروغ. تولد دوباره یک ققنوس از خاکستر خود به نشانه حیات دوباره جامعه جهانی پس از جنگ جهانی دوم است.



در مورد فرانسه منظور من این بود که این کشور به دلایلی وارد حمله نظامی در آفریقا شده، اما کشورهای اروپایی از آن حمایت نمی‌کنند، به خاطر این که معتقدند چرا ما هزینه نظامی کنیم و به نام اتحادیه اروپا ولی به کام فرانسه باشد! به نظر شما این نوعی واگرایی نیست؟

شاید در عرصه نظامی بتوان گفت که نوعی تک‌روی دارند. ولی مسئله‌ای را هم در نظر داشته باشید که اتحادیه اروپا با وجود تمامی پیشرفت‌های همگرایانه اش در عرصه سیاست و اقتصاد کهاکان در حوزه نظامی پیشرفت چشمگیری نداشته است. یعنی هنوز نتوانستند سیاست‌های نظامی خودشان را با هم هماهنگ کنند. برای همین است که وجه غالب اتحادیه اروپا سیاسی و اقتصادی است. بنابراین نمی‌شود مشی یکسانی از کشورهای اروپایی را در زمینه مسائل نظامی در نظر داشت. شاید بتوان گفت سیاست نظامی کشورهای اتحادیه اروپا در قالب ناتو هماهنگ می‌شود.

برایند کلی آلمان و فرانسه هستند که ضامن همگرایی در اروپا هستند. کما این که در بحران قبلی هم این مسئله به خوبی دیده می‌شد. بسیاری از کشورهای کوچک‌تر اتحادیه اروپا بدشان نمی‌آمد که جدا شوند. ولی این قدرت‌های بزرگ اروپا بودند که نهایتاً آن‌ها را نگه داشتند. شاید حرکت‌هایی که مثل فرانسه انجام می‌دهند، بیش از هر چیزی نشانگر جاه طلبی‌های بین‌المللی این کشور باشد، تا این که بخواهد از اتحادیه اروپا خارج شود. یعنی بیشتر تحت تأثیر همان پدیده‌ای است که خدمتتان عرض کردم که در موضوع هسته‌ای ایران هم دیده می‌شود؛ دو سه تا از قدرت‌های اروپایی می‌خواهند بیشتر از اتحادیه اروپا در سطح بین‌المللی ایفای نقش بکنند. این را در موضوعات مختلف هم می‌بینیم. این کشورها به آن جایگاهی که در اتحادیه اروپا دارند قانع نیستند. می‌خواهند بیشتر از آن در عرصه بین‌المللی ایفای نقش کنند. ولی در روند کلی همین قدرت‌های بزرگ اروپا هستند که ضامن بقای اتحادیه اروپا می‌باشند.

سطح کلان اتحادیه اروپا، بیشترین تهدید در سال گذشته بود و آن بحرانی که در منطقه یورو اتفاق افتاد و هر آن احتمال می‌رفت که کشورهای جدا بشوند، مدیریت شد و کشورهای اتحادیه اروپا از آن دوره بحرانی گذشتند. پس فکر نمی‌کنم که چشم انداز اتحادیه اروپا به سمت واگرایی باشد. بلکه این‌ها بیشتر به سمت همگرایی پیش می‌روند به خاطر چارچوب‌های دقیقی که برنامه ریزی کردند و منافعی که از این سمت دارند می‌بینند. البته ما شاهد هستیم که کشور فرانسه به چند کشور آفریقایی حمله می‌کند ولی کشورهای دیگر اروپایی از آن حمایت نمی‌کنند، این به نظر شما واگرایی نیست؟

از گذشته یعنی سه چهار دهه اخیر مرسوم بوده که در انگلیس به لحاظ اقتصادی و در فرانسه به لحاظ سیاسی نظامی، حرکت‌ها و پرش‌های واگرایانه وجود داشته باشد. مثلاً این مورد را از دوره دوگل در فرانسه می‌بینیم که بعضاً پرش‌های واگرایانه داشتند. ولی در